

تأثیرات منفی طلاق و فروپاشی خانواده بر افت تحصیلی فرزندان در مقطع ابتدایی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۶/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۲/۱۲)

کبری فتحی

چکیده

طلاق اثرات و عوارض بسیاری بر خانواده بر جای می گذارد که بیشترین این اثرات و عوارض متوجه کودکان این خانواده ها می باشد از میان عوارض موثر بر کودکان میتوان از عوارض عاطفی، اجتماعی سخن به میان آورد که دامنه این عوارض بسیار است و این آسیب ها و عوارض بصورت ترس، اضطراب، انتقام جویی، افسردگی، انزوا و نیاز افراطی به محبت، اختلال در رفتار آمادگی برای جرم و بزهکاری و حتی تن دادن به جرم و ارتکاب آن اختلال در امر تحصیل و در روابط معاشرتی و رفتارهای ضد اجتماعی را نشان داد. از آن طرف هرگاه از تعلیم و تربیت سخن می گوئیم همه بر این باور هستیم که فرایند تعلیم و تربیت به مثابه مثلثی مقدس است که یکسوی آن خانه است و سوی دیگرش مدرسه و پایه اش دانش آموز. شرایط خاص مدرسه و چگونگی روابط عاطفی حاکم بر خانواده نقش بسزایی در رفتار تحصیلی و انگیزه پیشرفت نوجوانان دارد. و کارنامه تحصیلی دانش آموزان حاصل تلاش مشترک اولیاء و مربیان است. بررسی ویژگیهای شخصی و شخصیتی آن دسته از دانش آموزانی که در مقایسه با همسالان مشابه خود پیشرفت تحصیلی چشمگیری داشته اند. حاکی از آن است که آنها از محیط خانواده بسیار گرم و صمیمی برخوردار بوده و رد سایه مهر و محبت تشویق پدر و مادر از یک نگرش مثبت و انگیزه غنی و قوی نسبت به مدرسه و درس خواندن بهره مند شده اند. در مقابل با نگاهی کوتاه با شرایط روانی اجتماعی و درس خواندن بهره مند شده اند. در مقابل با نگاهی کوتاه با شرایط روانی اجتماعی دانش آموزانی که علی رغم بهره مندی از بهره هوشی بالاتر از متوسط و امکانات مناسب زندگی آنگونه که بایسته و شایسته است تلاش قابل

توجهی از خود نشان نداده و پیشرفت تحصیلی مطلوبی را نداشته اند در می یابیم که این قبیل دانش آموزان غالباً متعلق به خانواده هایی هستند که روابط عاطفی متقابل و پایداری بین اعضا آن وجود ندارد و بسیار سست و شکننده است.

واژگان کلیدی: طلاق، افت تحصیلی، فروپاشی خانواده، دانش آموزان، کانون خانواده، پیشرفت تحصیلی

بخش اول: کلیات

نشر تعلیم و فراهم آوردن وسایل آن برای حفظ مصلحت فرد و اجتماع بسیار موثر است فرد احساس می کند که تعلیم مصالح او را تامین می کند و هم چنین اجتماع نیز بقاء و پیشرفت خود را مدیون تعلیم می بیند. تعلیم فرد را در اجتماع کامیاب می سازد. زیرا او را به مهارتها و عواطف و معارف و روش تفکر مناسبی که او را در جای خویش منسجم سازد مجهز می نماید و راه پیروزی را می گشاید و برای حل مشکلات شخصی می تواند بهتر کوشش کند و به منظور بهبود بخشیدن اجتماعی که در آن زندگی می کند فعالیت نماید و اگر تعلیم و تربیت نمی بود هدف افراد در اجتماع معلوم نمی شد و از رسیدن به هدفهای خویش محروم می شدند. تعلیم سطح اقتصادی فرد را بهبود می بخشد. تعلیم سطح اجتماعی فرد را بالا می برد زیرا سطح زندگانی اجتماعی فرد پیوستگی تامی با سطح زندگانی اقتصادی او دارد ؛ وقتی درآمد انسان از طریق بهره برداری از زندگی بالا رود سطح زندگی او قهراً ترقی کرده و در زندگی اجتماعی او نیز بهبود و رفاه به وجود می آید بلکه می توان گفت در سایه تعلیم و سطح زندگی خانوادگی او هم رو به پیشرفت می گذارد ؛ سپس به وسیله تعلیم بسیاری از افراد می توانند از یک نوع طبقه خاص در اجتماع به طبقه دیگر و بهتر منتقل گردند به همین جهت

تعلیم یکی از عوامل ایجاد حریت و آزادی اجتماعی است. کمتر اتفاق می افتد که فردی بیسواد و عامی مانند افراد باسواد از آزادی اجتماعی برخوردار باشد تعلیم عامل بهره مند شدن فرد از مزایای عالی زندگی است زیرا در سایه تعلیم بهره خود از طریق ذوق ادبی وقتی و علاقه به زیبایی و ارزشها روحی می گردد و این بهترین نعمت است که دیدگان افراد عامی و بیسواد به سوی آنها باز نیست پس تعلیم به این جهت وسیله ای برای تکمیل انسانیت فرد می باشد.

بخش دوم: طلاق و پیشرفت تحصیلی کودکان و دانش آموزان ابتدایی

شاید موفقیت تحصیلی حاصل عوامل متعدد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، محیطی، وراثتی باشد ولی احتمالاً خانواده یکی از موثرترین آنهاست. کریج (۱۹۷۶) در این رابطه می گوید: تنها مدارس نیستند که مایلند بدانند چرا بعضی از مردم از برخی دیگر موفق ترند؟ آیا این موفقیت تنها به دلیل وراثت می باشد یا حاصل کنجکاوی با محیط و یا شاید ناشی از عوامل اقتصادی سیاسی و اجتماعی است عوامل مذکور اگر موثر باشند احتمالاً شامل علتهای خارجی خواهند بود که انگیزه ها را شکل می دهند. در حالی که عوامل داخلی را باید در خانواده ها جستجو کرد بعلاوه عوامل خارجی در وهله اول اثرات خود را از طریق تأثیر یا به عبارتی تحت تأثیر قرار دادن خانواده ها و نحوه تربیتی آنها بروز می دهد. اثر حضور پدر را بر موفقیت تحصیلی کلاس سوم پسران مورد بررسی قرار دادند. نمونه تحقیق شامل ۴ دانش آموز مذکور از کلاس سوم بود که بر اساس سن، بهره هوشی، طبقه اجتماعی، اقتصادی حضور یا عدم حضور فرزندان ذکور دیگر در خانواده به ۴ گروه تقسیم شدند.

۱- پسرانی که قبل از سن ۵ سالگی پدرانشان در خانه حضور نداشته اند.

۲- پسرانی که بعد از سن ۵ سالگی پدرانشان در خانه حضور نداشته اند.

۳- پسرانی که پدرانشان معمولاً مدت کمی در خانه حضور دارند (کمتر از ۶ ساعت در هفته)

۴- پسرانی که پدرانشان معمولاً مدت زیادی در خانه حضور دارند (بیش از ۶ ساعت در هفته)

بیلر و بانچارد به منظور مقایسه چهار گروه فوق نمرات آزمون کلاس و آزمون موفقیت تحصیلی آنها را مورد بررسی قرار دادند. نمرات موفقیت تحصیلی گروه چهارم به طور معنی دار در سطح بالاتر از گروههای دیگر بود و پسران گروه اول از این جهت پایین ترین نمرات را کسب کردند. گروه دوم و سوم اغلب عملکردشان پایین تر از سطح کلاس بود و گروه آخر همیشه عملکردشان بالاتر از سطح کلاس بود.

اسکیار و جانستر (۱۹۷۴) اثرات غیبت پدر بر موفقیت تحصیلی کودکان سیاه پوست طبقه پایین اجتماعی را در مورد درس خواندن مورد بررسی قرار دادند نمونه تحقیق شامل ۱۰۷۳ دانش آموز کلاس چهارم بود که با آزمون موقعیت تحصیلی متروپلین مورد آزمایش قرار گرفتند. نتایج نشان داد که به طور کلی دختران در مقایسه با پسران در آزمون عملکرد بهتر داشتند. دانش آموزی که دارای بهره هوشی بالاتری بودند عملکردشان نیز در آزمون خواندن بهتر از دانش آموزانی بود که دارای بهره هوشی پایین تری بودند. نتیجه تحقیق همچنین نشان داد که دانش آموزانی که پدرشان در میان خانواده حضور نداشته است. کلیه این تفاوت ها در سطح ۱٪ معنی دار بودند به اضافه اینکه عملکرد دانش آموزانی که دارای بهره هوشی پایین بودند و پدر نیز حضور داشتند بهتر بودند و این تفاوت در سطح ۵٪ معنی دار بود.

شاهیان (۱۹۷۷) نیز تحت عنوان تأثیر غیبت پدرخوانده بر روی رشد شناختی دانشجویان تحقیقی انجام داده وی از آزمون کاربرد اعداد و آزمون استعداد تحصیلی برای مطالعه ۹۰ دانشجوی سفید پوست استفاده کرد. سه شکل مختلف خانواده در این بررسی مورد نظر بود :

۱- خانواده هایی که پدر حضور نداشت. ۲- خانواده هایی که پدرخوانده حضور داشت. ۳- خانواده های منسجم در هر کدام از این نوع خانواده ها ۷ پسر و ۱۱ دختر مورد بررسی قرار گرفت نتایج تحقیق نشان داد که پسران خانواده هایی که پدرانشان غائب بودند بیشتر در زمینه شغلی و تحصیلات به معلومات و محفوظات خویش وابستگی داشته و نمرات کمتری در رابطه

با آزمون موفقیت تحصیلی کسب کردند ولیکن نتایج بیانگر این موضوع بودند که حضور پدر خوانده این تأثیر را کاهش می دهد تفاوت بدست آمده در سطح ۱٪ معنی دار بودند.

از بررسی تحقیقات در رابطه با اثرات سوء طلاق بر روی کودک می توان اهمیت خانواده به عنوان سنگ زیر بنای جامعه و اولین مسیر رشد و شکوفایی استعدادهای کودکان و نوجوانان پی برد. رشد عمومی کودک به همان اندازه که تحت تأثیر حضور ما قرار می گیرد، از حضور پدر نیز به همان اندازه بهره می گیرد؛ فرزند در خانواده نقشهایی را از طریق تقلید و همانند سازی از پدر و مادر خویش می آموزد غیبت هریک از والدین احتمالاً باعث ایجاد وقفه در قسمتی از یادگیری مربوط به نقشها خواهد شد اگر چه تحقیقات نشان می دهند که کمبودها و اثرات سوء ناشی از جدایی والدین احتمالاً بستگی به مرحله خاص سنی ندارد که کودک در حال گذراندن آن می باشد ولی به هر حال بعنوان یک واقعیت باید پذیرفت که وجود هر یک از والدین به نحوی در رشد طبیعی کودک می باشد.

بخش سوم: بررسی تحقیقات در رابطه با اثرات سوء طلاق در دانش آموزان

فلاور و ریچاردن (۱۹۷۸) تحقیقی را به روی ۱۲۰ کودک (۶۰ پسر و ۶۰ دختر) کودکانی سیاه پوست طبقه پایین اجتماع از خانواده های منسجم و از هم گسیخته انجام دادند عملکرد افراد نمونه در دوازده مقیاس اندازه گیری آمادگی تحصیلی مورد مطالعه و سنجش قرار گرفت. دو سال بعد افراد نمونه در آزمون خواندن، ریاضیات و زبان انگلیسی مورد آزمایش قرار گرفتند داده های تحقیق به وسیله تحلیل واریانس تجزیه و تحلیل شد. در زمانی که طبقه اجتماعی کنترل شد تفاوت معنی داری بین دو گروه برای دو متغیر غیبت پدر و جنسیت وجود نداشت ولیکن یک تحلیل واریانس چند متغیر از نمرات دروسی ذکر شده و تعامل آنها نشان داد که در خانواده هایی که پدر حضور دارد عملکرد دختران در مقایسه با پسران در درس ریاضی بالاتر می باشد.

کانس (۱۹۸۰) در تحقیقی به مقایسه پیشرفت تحصیلی در میان کودکان خانواده های از هم گسیخته و منسجم پرداخت. نمونه این تحقیق شامل ۱۴۳۲۷ دانش آموز سالم و معلول از گروه سنی بین کلاسهای دوم تا هشتم بوده « از تمام آزمون موقعیت تحصیلی کالیفرنیا » و « زیر آزمونهای خواندن ریاضیات » در این تحقیق استفاده شده ؛ با استفاده از تحلیل واریانس به این نتیجه رسید که تفاوت معنی داری از نظر عملکرد تحصیلی در سطح بین ۵٪ بین پسران خانواده های منسجم و از هم گسیخته وجود نداشت در رابطه با تأثیر طلاق در زمینه های دیگر کمابیش تحقیقات اندکی صورت گرفته که از آن جمله تحقیق روانشتاین (۱۹۸۰) در ارتباط با توانایی انجام کار در سطح مهارت در نوجوانان خانواده های منسجم و از هم گسیخته و تعیین بعضی شباهتها و تفاوت های بین این دو گروه بود. روبنشتاین افراد نمونه خود را که شامل ۴۰ نوجوان ۱۵ تا ۱۸ ساله بود، به دو گروه ۲۰ نفری از خانواده های منسجم و غیر منسجم تقسیم نمود. اطلاعات لازم از طریق یادداشت روزانه نوجوان در رابطه با فعالیتهای بعد از مدرسه و تعطیلات آخر هفته و همچنین مطالعه رفتار آنها در طی چهار روز از طریق مصاحبه جمع آوری شد ساختار خانواده طبقه اجتماعی جنسیت و تعامل این متغیرها مورد توجه قرار گرفت تجربه و تحلیل نتایج سه فرضیه تحقیق را مورد تأثیر قرار داد.

۱- نوجوانان خانواده های از هم گسیخته در مقایسه با نوجوانان خانواده های منسجم وقت بیشتری را صرف انجام کارهای مربوط به خود و امور خانه می کنند و وقت کمتری را صرف تفریح و یا فعالیت های اجتماعی کند.

۲- در محدوده فعالیتهای مربوط به امور خانه و انجام بعضی از کارها در خانه نوجوانان خانواده های از هم گسیخته در مقایسه با نوجوانان خانواده های منسجم کارها را در حد مهارت و در سطح بالاتری انجام می دهند.

۳- در محدوده فعالیتهای مربوط به مدرسه و کارهای خارج از برنامه نوجوانان خانواده های منسجم در مقایسه با نوجوانان خانواده های از هم گسیخته کار را در سطح بالاتری از مهارت انجام می دهند.

رونشتاین ضمن بیان تفاوتهای موجود میان نوجوانان دو گروه از نظر طبقه اجتماعی و جنسیت اضافه می کند نوجوانان خانواده های از هم گسیخته دارای رفتارهای از نوع استقلال و پذیرش مسئولیتهای خانوادگی می باشند. اگر چه نوعی احساس کمبود در ارتباط با عدم فعالیتهای اجتماعی و مدرسه ای در این نوجوانان وجود دارد.

و اضافه می کند که لازم است والدین متخصصین تعلیم و تربیت را شناخته و برای ایجاد انگیزه در فرزندان این نوع خانواده ها اهداف واقع بینانه ای تعیین کرد و واحدهایی جهت برنامه ریزی فعالیتهای روزمره و حمایت از خانواده های از هم گسیخته تشکیل دهند.

به طور کلی می توان اظهار کرد که نظریات متفاوت و نتایج ضد و نقیضی که از تحقیقات مختلف بدست آمده است دلالت می کند بر وسعت موضوع اثرات گسترده غیبت پدر بر رشد همه جانبه کودک که نمی توان آنرا نادیده گرفت. کودکان آینده هر جامعه را می سازند و عدم توجه به جریان صحیح رشد آنها به آینده جامعه لطمه وارد می سازند. با توجه به آنچه که سین (۱۹۷۸) در نتیجه بررسی گروهی از تحقیقات بیان داشته است غیبت پدر احتمالاً اثرات تعیین کننده ای بر روند رشد فرزندان دارد با توجه به اینکه در جامعه ایران وابستگی های خانوادگی به نظر می رسد که بیشتر از جوامع غرب باشد فرضیه های زیر مورد بررسی قرار گرفت :

۱- فرزندان خانواده های از هم گسیخته از نظر اجتماعی در سطح پایین تری از فرزندان خانواده های منسجم میباشد.

۲- فرزندان خانواده های از هم گسیخته از نظر میزان پیشرفت تحصیلی در سطح پایین تری از فرزندان خانواده های منسجم می باشد.

همچنین مقیاس ۸ طبقه رفتاری (خودیاری در مهارت، لباس پوشیدن، خودیاری در مهارت غذا خوردن، تحرک اجتماعی، جابه جایی حرفه و اشتغال مهارت های گفتاری و کلامی، اداره کردن خود و اجتماعی بودن) در مقیاس واینلند برای دو گروه نشان داده که فقط در ۵ مورد تفاوت معنی دار در سطح اطمینانی ۵٪ وجود دارد. میزان پایایی با استفاده از روش تضمینی و میزان اعتبار مقیاس^۱ بوسیله همبستگی بین نمرات رشد اجتماعی و پیشرفت تحصیلی و همچنین مقایسه میانگین دانش آموزان کلاس دوم تا پنجم بدست آمد.

میزان اعتبار در رابطه با همبستگی بین نمرات دو متغیر وابسته مثبت و در حد ۳۷٪ بوده همچنین تفاوتی میان میانگین نمرات دانش آموزان کلاس دوم و پنجم وجود داشته که این تفاوت در سطح ۵٪ معنی دار بوده است.

آقای دکتر احمدی دانشیار دانشکده علوم تربیتی اصفهان در بررسی که در مورد افت تحصیلی داشته اند دلایل آن ناشی از علل متعدد ذکر کرده اند و این مطالب را عنوان می کنند که :

« از جمله اهداف هر نظام آموزشی تأمین نیازهای اجتماعی از طریق تربیت نیرو و افراد کارآمد است. فردی که دارای یک سیستم آموزش می شود لازم است از نظرذهنی، اجتماعی، اخلاقی و حتی عاطفی رشد کند و در تمام زمینه های شخصیتی پرورش یابد. چنانچه نظام آموزشی بتواند به پرورش دانش آموزان پردازد و آنان را در درون خود نگه دارد و به پیشرفت عملی آنان کمک کند باعث اتلاف سرمایه های انسانی و اقتصادی شده است و بازدهی موثر نداشته است افت تحصیلی نوع اتلاف در سرمایه انسانی و اقتصادی در کشور به حساب می آید یکی

^۱ - شریعت، فهمه، « مقایسه شد اجتماعی و پیشرفت تحصیلی کودکان خانواده های از هم گسیخته با کودکان خانواده های منسجم، شیراز، جزوه چاپ نشده دانشکده علوم تربیتی.

از عوامل افت تحصیلی در ایران خانواده های آشفته که دارای روابط خشکی هستند و دور از مهر و محبت می باشند!

تأثیر طلاق بر فرزندان بسیار پیچیده اسف بار است. فرزند تک والد ناخواسته درگیر تضادهایی می گردد که نه توان درک آن را دارد و نه تاب کنار آمدن با آنرا. در کتاب طلاق از دید فرزند در این باره آمده است که :

دوپاره شدن خانواده در اغلب موارد اثرات روحی دراز مدت بر فرزندان می گذارد و در پراکنده شدن امکانات خانواده فرزند را در شرایطی ناگوار و نارسا رها می کند. محرومیت فرزند از سرپرستی مشترک پس از متلاشی شدن و انحلال خانواده او را از مواهب و مزایای خانوادگی محروم و حتی به لحاظ محل زندگی نیز آواره خواهد کرد. در پاره ای امور بخاطر نزول جنبه اقتصادی سرپرست تنها (پدر یا مادر) کودک در دامن پدر بزرگ، عمه، عمو و حتی افراد دورتر از آنها و یا مؤسسات دولتی رشد می کند و از کمبودهای عاطفی در رنج دائم به سر می برد. روزنامه رسالت در این باره می نویسد که در اغلب کودکانی که والدین آنها از یکدیگر جدا شده اند دچار اختلالات روحی و روانی می شوند و حتی سلامت جسمانی بچه ها نیز تحت تاثیر این مسئله قرار می گیرد. انحراف از مسیر عادی زندگی مانند ترک تحصیل، روی آوردن به بزهکاری و بروز رفتارهای ناهنجار با نزدیکان و دوستان و به طور کلی عدم امکان رشد عالم در همه زمینه ها از جمله آثار سوء طلاق بر فرزندان است. بنابراین وجود تنهایی روانی و اختلالات عاطفی در خانواده کودک می تواند او را وادار به فرار از خانه نماید یا با گروه بزهکاری همکاری و مشارکت نماید.

دکتر علی قائمی در این باره می گوید: "از نظر ما طلاق اگر هم درست باشد موجب به بازی گرفتن سرنوشت کودکان خواهد شد بویژه کودکانی که هنوز خردسالند و نیاز به محبت مادر و تأمین پدر دارند. طلاق کودکان را بی خانمان می کند و پرورش اخلاقی و روانشناسان را به

خطر می اندازد. از طرفی مشکلات خانوادگی اثر مستقیمی بر آمادگی و توجه دانش آموز به درس و تحصیل دارد وقتی والدین در وضعیت نامطمئن و اضطرابی قرار داشته باشند عدم اطمینان را به کودکان خود منتقل می کنند. چنین کودکانی از آمادگی لازم برای یادگیری و درک مطلب بهره مند نیستند و طبعاً از نظر تحلیل با مشکلاتی مواجه می گردند در خانواده های از هم پاشیده و خانواده های که یکی از اعضاء آن بدلیل خاصی از دست رفته است کودکان از یک رابطه عاطفی مناسب بی بهره اند و چه بسا ذهن آنان به مسایل جنسی نامربوط اشتغال دارد. چنین کودکانی در کلاس درس حضور ذهنی ندارند و نمی توانستند از توجه و تمرکز کافی برخوردار باشند. اساساً درس را درست درک نمی کنند در این صورت درس را درست نیاموخته و تفهیم نشده و به خاطر نسپرده اند. و طبعاً نمی توانند بازگو کنند. دانش آموزان زیاده در مدارس ما وجود دارند که در زمینه تحصیل افت دارند که ارتباط با آنها و پیدا کردن دلیل این عقب ماندگی نشان می دهد که در خانواده هایی زندگی می کنند که افراد خانواده دائماً در کشمکش بسر می برند.

علل و عوامل متعددی باعث افت تحصیلی یا اتلاف در نظام آموزش و پرورش می گردد که می توان آنها را به ۳ دسته تقسیم کرد.

۱- علل مربوط به افت تحصیلی دانش آموز در مدرسه.

۲- علل مربوط به شرایط خانوادگی

۳- دلایل مربوط به عوامل اقتصادی

آقای امین در رابطه با عوامل و علل افت تحصیلی و چگونگی آن چنین می نویسد: در بسیاری از موارد افت تحصیلی اعم از مردودی یا ترک تحصیل یا دیگر انواع آن موارد شرایط و عوامل خانوادگی کودکان و نوجوانان و جوانان است و هر چند که شرایط و عوامل خانوادگی موثر بر افت تحصیلی از دیگر عوامل اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جدا نیست اما چنین نیست

که همیشه نامناسب بودن شرایط خانوادگی نتیجه شرایط نامناسب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیرون ازخانه باشد. فراهم بودن شرایط امنیت روانی و عاطفی به شدت می‌کاهند و در رابطه بسیار نزدیکی با مسایل و مشکلات آموزشی و پرورشی دانش آموزان و افت تحصیلی آنها دارد.^۱ تحقیقاتی که روانشناسان در این مورد در ایالت شلتدویک ملشتین آلمان غربی در زمینه عدم تمرکز فکری دانش آموزان کرده اند به این نتیجه رسیده اند که :

در مورد ۴۰٪ در کودکان به عدم تمرکز فکریشان بر اثر ضایعات خانوادگی و تشنجات محیط خانواده بوده است. قسمتی از عدم تمرکز فکری کودکان هم امکان دارد با ناراحتی های محیط خانواده از قبیل طلاق و جدایی والدین، اشکالات مالی خانواده و بالاخره دعوا و نزاع با خواهر و برادرها ارتباط داشته باشد.

تأثیر طلاق در تحصیلات نیز به نظر تعداد قابل توجهی از دانش آموزان منفی بوده و این مسأله دو علت داشت بعضی از کودکان پس از تغییر ناگهانی وضع خانواده دیگر در مدرسه به خوبی سابق پیشرفت نداشته اند. نگران بودند، حواسشان پرت و تمرکز لازم را نداشتند، فکر می کردند که اگر ناراحتی فکری نداشتند امتحاناتشان را بهتر می گذرانند.^۲ بعضی از کودکان با اینکه گاهی حتی خودشان ترجیح می دادند به تحصیلاتشان ادامه دهند در اولین فرصت ممکن ترک تحصیل کرده اند تا بتوانند خرج خودشان را درآورند. به طور کلی مروری بر مطالعات انجام شده در زمینه انسجام یا عدم انسجام خانواده و تأثیر آن بر پیشرفت یا افت تحصیلی نشان می دهد که دانش آموزانی که دارای خانواده غیر منسجم هستند به نسبت دارای مشکلات زیادتری بویژه در زمینه پیشرفت تحصیلی هستند اما بعضی از تحقیقات تفاوت های قبل توجهی از نظر پیشرفت تحصیلی بین دانش آموزان خانواده های منسجم و غیر منسجم نیافته اند. از طرف

۱ - امین فر، مرتضی، انتشارات آموزشی علمی آموزش و پرورش «فصلنامه تعلیم و تربیت سال چهارم»

۲ - نشریه مکتب مام - شماره ۹۹ - صفحه ۴۸

دیگر هیچکدام از تحقیقات اشاره به این ندارد که پیشرفت تحصیلی کودکان خانواده هایی غیر منسجم بهتر از کودکان خانواده های منسجم است.

فلاورز و ریچاردز (۱۹۷۸) با تحقیقی که روی ۱۲۰ کودک (۶۰ دختر و ۶۰ پسر) کودکانی سیاه پوست طبقه پایین اجتماع و از خانواده هایی غیر منسجم و منسجم انجام دادند تفاوت معنی داری در زمینه پیشرفت تحصیلی بین این دو گروه مشاهده نکرد.

همچنین کانسی (۱۹۸۵) در مقایسه پیشرفت تحصیلی ۱۴۳۲۷ پسر سالم و معلول خانواده هایی منسجم و غیر منسجم به این نتیجه رسید که از نظر عملکرد تحصیلی در سطح ۵٪ تفاوت معنی داری بین پسران خانواده هایی منسجم و غیر منسجم وجود ندارد.

صفوی (۱۳۶۵) می نویسد: دانش آموزی که به دلایلی فقط با یکی از والدین خود زندگی می کنند دو برابر بیشتر از کسانی که با هر دو به سر می برند افت تحصیلی دانسته اند (۱۹۷۸) پس از مروری بر تحقیقات که در زمینه تأثیر عدم حضور پدر بر پیشرفت تحصیلی و رشد شناختی کودکان انجام شده می نویسد:

«غیبت پدر در خانواده احتمالاً اثرات زیان آوری بر روی رشد شناختی فرزندان دارد.»

شاهپان (۱۹۷۷) نیز این مسأله را روی گروهی از دانشجویان مورد بررسی قرار داده و می نویسد: «پسران خانواده هایی که پدرشان غایب بوده اند نمرات کمتری در آزمون موفقیت تحصیلی که در تحقیق به کار گرفته شده کسب نموده اند.»

ربانی (۱۳۵۲) در تحقیقی که در شهر تهران انجام داده نتیجه گیری می کند که فوت مادر بیش از فوت پدر و فوت هر دو بیشتر از فوت هر یک در ایجاد اختلال رفتاری و عدم موفقیت تحصیلی و نابهنجاری عاطفی و ذهنی کودکان و نوجوانان موثر بوده است.

انجام همین تحقیق در تبریزی نشان داد که ۵۴ درصد از مردودین از جمله کسانی بودند که پدرانشان را از دست داده بودند و ۷۲٪ مادرانشان را ۷۵٪ هر دو آنان را از دست داده بودند.

پس مشاهده می شود که موضوع انسجام خانواده و تأثیرات آن بر پیشرفت یا افت تحصیلی دانش آموزان به صورتهایی مختلف مورد بررسی قرار گرفته است و اگر چه بعضی از تحقیقات تأثیر نامطلوب از هم گسیختگی خانواده بر پیشرفت تحصیلی فرزندان را تأیید نمی کنند. اما بیشتر آنها بر این تأثیر نامطلوب مهر تأیید می زنند. گروهی از تحقیقات این تأثیر نامطلوب را بر جنبه های خاصی از عملکرد تحصیلی دانش آموزان تأیید می نمایند و تحقیقات دیگری نیمه مدت غیبت پدر یا مادر را به عنوان نشانه ای از عدم انسجام خانواده در نظر گرفته و آنرا در افت تحصیلی فرزندان مؤثر می دانند و علاوه بر این گرچه غیبت پدر دارای تأثیر منفی بیشتری از غیبت مادر است اما غیبت مادر نیز در افت تحصیلی بی تأثیر نیست.

بخش چهارم: بررسی و نگاهی به بخشی از تحقیقات انجام شده در ایران

در آذرماه ۱۳۶۴ تحقیقی پیرامون شکست تحصیلی در رابطه آن با زمینه های خانوادگی در شهر شیراز توسط آقای محمد خیر صورت گرفت در این پژوهش ۴۳۹ دانش آموز دوره ابتدایی شهر شیراز مورد نظر بودند محقق در این تحقیق به این نتیجه رسیده بود که عواملی چون شغل پدر، تحصیلات والدین، فوت یکی از آنها، وضعیت مسکن، اندازه خانواده، محل تولد از جمله عواملی هستند که بر موفقیت و عدم موفقیت تأثیر دارند را گزارش کرده بود.^۱ در اسفند ماه ۱۳۵۸ تحقیقی پیرامون رابطه محیط خانوادگی و موقعیت تحصیلی در شهر شیراز توسط آقای ذبیح اله نقاشین صورت گرفت در این تحقیق که ۲۰۴ دانش آموز دوم و سوم طبقه بالا و متوسط شیراز مورد بررسی قرار گرفتند محقق به این نتیجه رسید. خانواده هایی که محیط گرمتری داشتند نسبت به خانواده های که محیط سردتری از نظر عاطفی داشتند دارای

^۱ - خیر، محمد، «شکست تحصیلی و رابطه آن با زمینه خانوادگی»، مجله علوم اجتماعی و انسانی، شماره ۲، ۱۳۶۵

فرزندان موفقتری بودند بعلاوه خانواده هایی که کنترل کمتری بر روی فرزندان خود داشتند به نسبت خانواده هایی که کنترل بیشتری داشتند از فرزندان موفقتری برخوردار بودند.^۱

دکتر امیر احمد احمدی نیز در همین زمینه گفتند که افت تحصیلی از دبستان به مدرسه راهنمایی و همچنین در مقاطع راهنمایی و دبیرستان چشمگیر است افت تحصیلی دانش آموزان که مردود می شوند یا به عللی مدرسه را ترک می کنند یا از مدرسه اخراج می شوند گاهی والدین از ادامه تحصیل فرزند خود جلوگیری می کنند.

نتیجه گیری

یکی از عواملی مهمی که در افت تحصیلی دانش آموزان مطرح است خانواده می باشد. توجه به اینکه خانواده به عنوان کانون مملو از محبت و آرامش برای تحول و رشد استعداد هاست. هر گونه آسیب به آن نسل آینده را از اثر سوء خود مصون نخواهد گذاشت. طلاق به عنوان یک پدیده اجتماعی اثرات و عوارض بسیاری بر خانواده بر جای می گذارد که بیشترین این اثرات و عوارض متوجه فرزندان این خانواده ها می باشد. به همین دلیل پدیده طلاق چیزی نیست که به آسانی از آن چشم پوشی کرد. یکی پیامدهای طلاق افت تحصیلی دانش آموزان می باشد که هر ساله تعداد زیادی از دانش آموزان با آن مواجه می شوند. دهها زوج به بن بست رسیده و گاه همراه با کودکان و دانش آموزانی که بی تردید قربانی توقعات بیش از حد ندانم کاریها، خودخواهیها، فریبها، لغزشها، بی ارادگی ها، باری به هر جهت بودنها، دروغ ها، و بالاخره ناسازگاریهای والدین خود شده اند در راهروهای دادگاه حضور می یابند تا در محضر دادگاه به پیوندی که روزگاری با عشق و علاقه ای شدید (و گاه بی آن) بر آن صحه گذاشته اند خط بطلان بکشند. در این میان چهره کودکانی که معصومانه و بی خبر از سرنوشت غم آوری که انتظارشان را می کشد در راهروهای دادگاه به بازیهای کودکانه شان مشغولند. کودکان انعطاف پذیر هستند و بودن آن ها در طول روال جدایی می تواند به جای بحران برای آن ها

^۱ - نقاشیان، ذبیح اله، «رابطه محیط خانوادگی و موقعیت تحصیلی»، شیراز، تحقیق دانشکده علوم تربیتی، سال ۱۳۵۸

تطابق با تجربه ای جدیدی باشد. از انجایی که کودکان در طول جدایی متفاوت هستند. (خصوصیات اخلاقی متفاوت و سن های مختلف) اثرات جدایی نیز روی آن ها متفاوت خواهد بود. باید بررسی کنید که در شرایط مختلف چگونه می توان اثرات طلاق روی کودک را درک کرد. در ابتدا باید درک کنید که جدایی تاثیر متفاوتی روی هر کودک خواهد داشت. اما در این مورد دلایل مشابه زیادی هستند که می گویند چرا در طول جدایی والدین نمرات کودکان افت زیادی خواهد داشت. هیچ کسی در این دنیا نیست که بتواند وقتی مشکل بزرگتری را در جایی دارد که باید حل شود تمرکز کامل و ۱۰۰ درصد روی چیز دیگری داشته باشد. خصوصا کودکان نمی توانند این کار را انجام دهند. در سنین کم کودکان نمی توانند به سادگی خودشان روی چیزی تمرکز کنند در نتیجه همیشه راهی است که یک حس یا خاطره ی بد بتواند از ذهن ان ها برود. زمانی که عملکرد کودک در مدرسه به شکل بدی تحت تاثیر جدایی والدین قرار گرفته باشد اغلب علت ان نبود تمرکز است، چیزی که بر اثر خاطرات و احساسات بد مرتبط با جدایی ایجاد شده است. این یک حلقه ی تکرار شدنی است. یک جدایی سخت درست مانند یک عامل حواس پرتی دائمی برای کودک خواهد بود. در مورد اثرات طلاق، کودکان در این سن از همیشه بیشتر آسیب پذیر هستند. به خاطر سن کم، آن ها در زمان دعوی پدر و مادر خود درست نمی دانند چه اتفاقی می افتد. آن ها سعی می کنند تا حدس بزنند در این قضیه می توانند چه کار کنند و نتیجه این است که خود را برای این جدایی مقصر خواهند شناخت.

منابع و مآخذ

- ۱- احمدی - احمد، « چهارمین دوره مقاله نویسی »، جلد دوم، سال ۱۳۶۹، ص ۱۵۷.
- ۲- احدی - حسن، « نشریه پژوهش »، انتشارات موسسه کیهان وابسته به امور فرهنگی نهاد ریاست جمهوری، شماره ۵۰۴، سال سوم ۱۳۶۹.
- ۳- امین فر - مرتضی، « فصلنامه تعلیم و تربیت »، انتشارات آموزشی علمی آموزش و پرورش، سال ۴، شماره ۱ و ۲، سال ۱۳۶۷.
- ۴- خیر، محمد « رابطه شکست تحصیلی با زمینه ها و شرایط خانوادگی » مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره اول، شماره دوم، بهار ۱۳۶۵.
- ۵- داماد - سید مصطفی، « تحصیل فقهی حقوق خانواده و انحلال آن »، انتشارات اورنگ، سال ۱۳۶۵.
- ۶- رضویه - علی اصغر، « پژوهشهای علی مقایسه ای و کاربرد آن در علوم رفتاری » مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره اول، شماره دوم، ۱۳۶۵.
- ۷- «روزنامه کیهان»، مورخ ۱۳۷۰/۲/۱۱، ص ۱۴.
- ۸- «روزنامه کیهان»، مورخ ۱۳۷۰/۱۲/۱۳، ص ۱۱.
- ۹- « کیهان هوایی »، شماره ۹۷۵، مورخ ۱۳۷۱/۱/۱۲، ص ۱۱
- ۱۰- عمید - حسن، «فرهنگ عمید»، چاپ ششم، جلد دوم، سال ۱۳۶۴.
- ۱۱- قائمی - علی، « نظام حیات خانواده در اسلام »، چاپ شفق، انتشارات آبان ماه، ۱۳۶۳.
- ۱۲- مید - مارگارت، «نشریه مکتب مام»، شماره ۹۵، سال ۱۳۶۵، ص ۱۶.